من و اماس

زلزله «اماس»

مریم پیمان

● صدای مبهم چرخ ماشین روی برآمدگی‌های کنار اتوبان آزارم می‌دهد. انبوه ماشین‌ها اندوه را در تاریکی شب زمستانی دامن می‌زنند. هیچ‌کس در هیچ‌جایی منتظر نیست تا خبر خوبی بشنود. تنها منتظر پس‌لرزه‌های مکرر حادثه‌ای هستیم که می‌تواند هر شهر را به فاجعه‌ای تبدیل کند. اگر در میان بزرگراه، زمین باز شود و ماشین‌ها به هم برخورد کنند و شهر به یغما برود، داروهای من چه خواهند شد؟ می‌ترسم. داروها باید در یخچال باشند و اگر شهر به ویرانه‌ای تبدیل شود، داروها را باید کجا نگه دارم؟ دستی ماشین را بالا می‌آورم و سرم را روی فرمان لَم می‌دهم. بیماران مبتلا به «اماس» کرمانشاه این روزها چه می‌کنند؟ آیا دارو دارند؟ آیا شرایط نگهداری و مصرف داروهایشان را دارند؟ اگر یکی از بیماران زیر آوار بماند و کسی در فرایند درمان او از بیماری و داروهای مصرفی‌اش اطلاع نداشته باشد، چه خواهد شد؟ هراس از زلزله تهران هر روز در من قوی‌تر می‌شود. وقتی تهران ویران شود، چه کسی به داد مردم این شهر هشت میلیون‌نفری خواهد رسید؟ پاهایم و زانوانم درد می‌کنند. سست شده‌اند از سرمای زمستان نیامده و بی‌جان از طی پله‌های متعدد. چراغ قرمز ماشین جلویی خاموش می‌شود. دستی را به‌آرامی پایین می‌دهم. چندمتری بی‌دردسر جلو می‌روم. «تا یک ماه می‌توانی آمپول‌هایت را قطع و مسکّن مصرف کنی»؛ پزشک روزی در پاسخ به پرسشی درباره قطع داروها به من گفته بود. نفسی عمیق می‌کشم. اگر زلزله بیاید و داروهایم را از دست بدهم تا یک ماه بدون آنها می‌توانم زندگی کنم، اما بعد از ۳۰ روز احتمال حمله و درد شدت می‌گیرد و باید مصرف منظم دارو را زیر نظر پزشک شروع کرد. سرم را به پشتی صندلی می‌چسبانم. اگر پزشک من در زلزله بمیرد یا او را گم کنم، چه خواهد شد؟ می‌ترسم. همیشه از تغییر پزشک می‌ترسیدم، زیرا به او ایمان داشتم و دارم. می‌دانم که او همه‌چیز را می‌داند و نیاز به هیچ توضیح اضافه‌ای نیست. پرونده پزشکی‌ام در مطب او تاریخ درمان و دردهاست، اما ذهن او تاریخچه رنج‌ها و لذت‌های من است. هیچ‌وقت با هم از بیماری، جدی حرف نمی‌زنیم. گاه آن‌قدر موضوع‌های مهم‌تری برای صحبت داریم که یادم می‌رود داروهایم را دقیق از او طلب کنم یا حتی مشکلاتم را بگویم. نه‌تنها با من، بلکه با همه بیمارانش رابطه خوبی دارد. با ما زندگی می‌کند و از رازهایمان امانتداری. کمتر از بیماری می‌گوید و بیشتر به زندگی ترغیبمان می‌کند. باور ندارد که «اماس» از ما قوی‌تر است. راه باز نمی‌شود و من همچنان در گره کور ترافیک تهران سرگردان مانده‌ام. دو ساعتی به انتظار دیدار پزشک نشسته بودم و حالا نیز به او فکر می‌کنم؛ «باید به بیماران مشاوره و ورزش را توصیه کنی!». با دقت به حرف‌هایم گوش می‌دهد. شنیدن را خوب بلد است و باور دارم که قدرت انتقال او از بیشتر افرادی که می‌شناسم بیشتر است. راه باز می‌شود. چهره همیشه‌خندانش از مقابل چشمانم محو می‌شود. می‌دانم که اگر زلزله شهر را نابود کند، آرامش او بیمارانش را باز هم آرام خواهد کرد.

نمایی از عمارت باغ آقا، عکس: شرق

گزارش «شرق» از مراحل آماده‌سازی موزه نفت در کرمان

کار کار انگلیساست

صدرا محقق: صحبت تاریخ و گذشته صنعت نفت که پیش می‌آید ذهن بی‌برو‌برگرد راهی خوزستان می‌شود، سمت مسجدسلیمان و اهواز و آبادان، چاه‌های قدیمی نفت و محله انگلیسی‌ها و... اما در شهر کرمان که هزار کیلومتر با مرکز نفت‌خیزترین استان ایران فاصله دارد، ماه‌هاست کارگران و استادکارانی در کار مرمت و بازسازی یک عمارت ۲۰۰ساله رو به ویرانی‌اند تا از دل آن «باغ موزه نفت کرمان» را بسازند. اینجا باغ‌آقاست. نفت و کرمان چه ربطی به هم دارند که حالا قرار است در این شهر موزه نفت هم برپا شود؟ پاسخ این پرسش یک چیز است؛ کار کار انگلیساست! عمارت باغ‌آقا در محله خوش‌آب‌وهوا و پردرخت زریسف کرمان محل زندگی سیدابوالحسن‌خان معروف به آقاخان محلاتی بود که از آغاز دولت زندیه تا زمان آغا محمدخان قاجار به عنوان پیشوای اسماعیلیه، حکومت کرمان را در دست داشت. مدتی بعد این عمارت موردپسند انگلیسی‌ها که در پی راه‌اندازی نخستین کنسولگری خود در کرمان بودند واقع شد و ژنرالی بریتانیایی به نام سر پرسی سایکس در سال ۱۸۹۴ میلادی مأمور تأسیس آن شد. کرمان دروازه ارتباط و دسترسی به هند مستعمره تاریخی و بزرگ پادشاهی انگلستان بود و از همین رو واجد اهمیت بسیاری بود. کنسولگری انگلیس با اهمیت بالای نظامی-سیاسی در این بنا راه افتاد و سال‌ها بعد به شرکت نفت ایران و انگلستان واگذار شد. همین بخش از پیشینه هم عامل اصلی انتخاب این بنا برای راه‌اندازی باغ موزه نفت کرمان بود. باغی که قرار است در حقیقت موزه منطقه‌ای نفت شرق کشور باشد. علت ایجاد موزه نفت در باغ‌آقا ریشه در این آیین‌نامه مرکز موزه‌ها و اسناد صنعت نفت ایران دارد: «براساس آیین‌نامه این مرکز، باید فضاهای تاریخی و قدیمی متعلق به شرکت نفت را به موزه‌هایی مرتبط با این صنعت تبدیل کند». در همین رابطه اکبر نعمت‌اللهی، مدیر موزه‌ها و اسناد صنعت نفت ایران می‌گوید: «عمارت باغ‌آقا که قدمت آن به دوره زندیه می‌رسد، ابتدا عمارت والی کرمان بوده، سپس به انگلیسی‌ها رسیده و دفتر کنسولگری انگلیس در مناطق شرق و جنوب ایران بود. مالکیت عمارت باغ‌آقا اما پس از ملی‌شدن صنعت نفت به شرکت نفت رسید و اکنون محل اداره شرکت نفت کرمان است. این باغ‌موزه اکنون در حال گذراندن مراحل پایانی مرمت و بازسازی است». وی عمر فعالیت سازمان پخش نفت را بیش از شرکت ملی نفت می‌داند و ادامه می‌دهد: سازمان ملی پخش نخست کارهای سوخت و دیگر وظایف مربوط به خود را انجام می‌داد و جایگاه آن در باغ ملی کرمان بود، اما بعد از ملی‌شدن صنعت نفت نخستین تابلو نیز در آن مکان نصب شد، همچنین تا مدتی از این عمارت استفاده‌های مسکونی می‌شد و بعد از آن این بنا، به حال خود رها شد، به اندازه‌ای که در حال تخریب بود، اما خوشبختانه دو سال پیش این ساختمان با تلاش شرکت ملی پخش کرمان و مدیریت موزه‌ها در قالب یک پروژه موزه‌ای تعریف شد و اکنون این اقدام روی آن در حال انجام است». براساس اعلام، قرار است این موزه در بهمن ماه تکمیل و راه‌اندازی شود.

باغ‌آقا در کرمان تنها موزه نفت کشور نیست، دست‌کم چهار سال است که خیزشی در شرکت نفت برای ثبت و حفاظت و به‌نمایش‌گذاشتن تاریخچه صنعت نفت ایران شکل گرفته است. حاصل کار راه‌اندازی دفتر «موزه‌ها و اسناد صنعت نفت» با دستور مستقیم وزیر نفت است که هدفش شناسایی، مرمت، ثبت و نمایش اشیا و تجهیزات به‌جامانده از زمان فعالیت شرکت‌های پخش نفت و گاز در سراسر کشور است. بر همین اساس در نخستین گام شناسایی بناهای قدیمی مرتبط با این صنعت و ثبت ملی و مرمت آنها با هدف راه‌اندازی موزه‌های نفت در شهر و استان‌های مختلف کشور آغاز شد. با همین هدف در شهرهای استان خوزستان مانند آبادان و مسجدسلیمان موزه‌های نفت در حال پاگرفتن هستند، به غیر از این در شهرهای سبزوار و تهران و کرمانشاه نیز ساخت موزه‌های منطقه‌ای در دستور کار قرار گرفته و موزه مادر همه اینها نیز در تهران خواهد بود. در رابطه با جزئیات بیشتر موزه‌های نفت و آغاز و انجام این ایده از ابتدا تا چشم‌انداز نهایی با اکبر نعمت‌اللهی، مدیر موزه‌ها و اسناد صنعت نفت ایران گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌آید.

ایده اصلی و اولیه راه‌اندازی و ساخت موزه‌ای برای نفت از کجا آمد و پیشنهاد چه کسی بود؟

این نقصان سال‌ها در مجموعه صنعت نفت احساس می‌شد. به‌ویژه در برهه‌ای از زمان متوجه شدیم که بعد از ۱۱۰ سال قدمت صنعت نفت در ایران، ما چیزی را به عنوان موزه نفت یا مرکزی به عنوان جمع‌آوری میراث صنعت نفت و نگهداری و به‌نمایش‌درآوردن آن نداریم. این در حالی است که حتی کشورهایی که نفت ندارند، موزه‌هایی با این نام دارند. مانند آلمان و سایر کشورها... .

در دنیا در مجموع چه تعداد موزه نفت وجود دارد و در چه کشورهایی هستند؟

در دنیا ۲۰۰ موزه نفت وجود دارد. از این ۲۰۰ موزه، ۱۰۰ مورد آن در ایالات متحده آمریکاست. ۶۰ موزه در اروپاست. ۴۰ موزه هم در سایر کشورهاست. کشورهای حوزه خلیج فارس، همه موزه نفت دارند. در آسیای میانه و آسیای دور هم همین‌طور، کشورهای زیادی موزه نفت دارند. در اروپا یکی از موزه‌های خوب نفتی دنیا در نروژ است که در کنار ساحل، موزه بسیار خوبی را ساخته‌اند، کارشان از حدود ۲۰ سال پیش شروع شد و ۱۶ سال هم مطالعه و ساخت آن طول کشیده. جالب است بدانید قدمت صنعت نفت در نروژ تنها ۳۶ سال است. اما امروز، موزه بسیار خوبی دارد و توسعه هم پیدا می‌کند و آن‌طور که من شنیده‌ام در شهرهای دیگرشان قرار است شعبات دیگری هم ایجاد کنند.

وضعیت موزه‌های نفتی در کشورهای همسایه ما چطور است؟

در همسایگی ما کشورهای امارات و عربستان و قطر موزه نفت دارند. در شمال ما الان جمهوری آذربایجان یک موزه بسیار قوی و پرخرجی را می‌سازد که میلیاردها دلار خرج آن شده است. یک منطقه را در دریا خشک کرده، شبیه کاری که اماراتی‌ها کردند و موزه بزرگی را آنجا ساخته‌اند. ما از این ۲۰۰ موزه در دنیا، هیچ سهمی نداشتیم. بر همین اساس این پیشنهاد داده شد به شورای معاونان وزارتخانه و وزیر که خوشبختانه وزیر و شورای معاونان وزارتخانه پسندیدند و تصویب کردند و بنده را هم به عنوان پیشنهاددهنده آن به عنوان مجری این موزه‌ها گذاشتند. مرحله اول قرار بود فقط در شهر آبادان، مسجدسلیمان و تهران، سه موزه ایجاد شود با سه محور پالایش، تاریخ و تولید که در مسجدسلیمان است، پالایش در آبادان و علوم و تکنولوژی در تهران. با توجه به مطالعات و بررسی‌هایی که کردیم و چند مشاور که گرفتیم و آنها هم برای ما مطالعه کردند، به این نتیجه رسیدیم که بهتر است در نقاط مختلف که پتانسیل خوبی در زمینه تأسیسات و تجهیزات و اماکن و ابنیه نفتی داریم، موزه‌های کوچک‌تری ایجاد کنیم که بچه‌ها و مردم آن منطقه یا استان، نخواهند برای دیدن و آشنایی با تاریخچه صنعت نفت کشور لزوما به تهران بیایند یا به آبادان بروند.

موزه مادر و اصلی نفت در کدام شهر قرار دارد؟

موزه مادر در تهران است با عنوان موزه علوم و تکنولوژی صنعت نفت. بعد، موزه‌های بزرگ دیگر ما در مسجدسلیمان و آبادان است. موزه‌های بعدی هم که موزه‌های اقماری است. هر کدام با موضوع خاص خودش فعالیت می‌کند. یعنی بحث توزیع سوخت در جایگاه‌های قدیمی به عنوان موزه‌های بنزین‌خانه مطرح می‌شوند که یکی از آنها در آبادان افتتاح شده است. دومی در تهران در حال آماده‌سازی است که امسال به بهره‌برداری می‌رسد. یک موزه دیگر هم در آبادان است با محوریت آموزش در صنعت نفت که اولین آموزشگاه فنی و حرفه‌ای ایجادشده در ایران است، یا بهتر بگویم اولین آموزشگاه فنی و حرفه‌ای که در خاورمیانه ایجاد شده، چون زمانی که نفت به ایران آمد و تولید و اکتشاف شد، در هیچ جای خاورمیانه نفت اکتشاف نشده بود. از همان روزهای اول متوجه شدند که نیاز دارند به مرکزی برای آموزش نیروی انسانی خود.

مثلا آلمان، در زمینه آموزشگاه‌های تأسیساتی که داریم، چون آلمان در این قضیه خوب فعال بوده و تأسیسات زغال سنگ و ذوب‌آهن خودش را به پارک موزه تبدیل کرده و موفق بوده؛ از آنها ایده گرفته‌ایم. آنها این تأسیسات را به همان شکل اولیه نگه داشته‌اند.

برای راه‌اندازی این موزه‌ها آیا از جای خاصی الگو گرفتید یا از مشاوران و کارشناسان خارجی مشورت گرفته‌اید؟

بله. هم ایده گرفتیم و هم مشورت.

از کجا؟

بازسازی و مرمت کرده و الان محل تفریح و بازدید مردم و دانش‌آموزان و دانشجویان شده است. پارک موزه‌های ساحلی هم در کشورهای مختلف از جمله در آمریکا و کانادا وجود دارد. من از پارک موزه گاز آمریکا در شهر سیاتل بازدید کردم. بسیار زیبا و قشنگ کار کرده بودند. از تأسیسات قدیمی به خوبی نگهداری کرده بودند و حالا مردم هم برای تفریح و استفاده از پارک می‌آمدند، هم برای دیدن این تأسیسات و مجموعه‌ای که ایجاد کرده بودند.

آیا انگلستان هم چنین موزه‌هایی دارد؟ چون احتمالا بخش زیادی از تاریخ آنها با صنعت نفت ایران اشتراک دارد. تاکنون در این زمینه ارتباطی بین شما و آنها شکل گرفته؟

بله مثلا BP (بریتیش پترولیوم) برای خودش موزه‌ای دارد. همین‌طور یک مرکز اسنادی که به‌قول شما خیلی از تجهیزات و اسنادش با ما مشترک است. به‌خصوص آن بخشی که در ایران کار کرده است. می‌دانید که بی‌پی با ایران شکل گرفت و امروزه بی‌پی شد. با نفت ایران توسعه پیدا کرد. این است که بیشترین افتخار بی‌پی از ۱۱۰ سال پیش است که در ایران کار کرده است. تمام اسناد، عکس‌ها و تجهیزات قدیمی را در بی‌پی نگهداری کردند؛ به شکلی که ما خیلی از عکس‌های قدیمی را از آنها گرفتیم، کپی کردیم و آوردیم. مقداری از اسناد را هم از بی‌پی گرفتیم. بعضی از اشیا مانند شیر چاه شماره یک مسجدسلیمان را از بی‌پی گرفتیم و آوردیم که الان جلوی در وزارت نفت آن را مستقر کرده‌ایم.

این شیر اصل است یا ساخته شده است؟

نه اصلی است. آن چیزی که خودشان آنجا داشتند و نگهداری می‌کردند به ما دادند.

چرا دادند؟

این کار را در چارچوب همکاری‌های مشترکی که داشتیم انجام می‌دهند. معمولا این کار انجام می‌شود. بی‌پی از دادن اسناد و عکس و اشیایی که دارد، خیلی دریغ نمی‌کند. نه تنها به ما، بلکه به همه کشورها و سازمان‌ها و شرکت‌ها و دانش‌پژوهانی که لازم داشته باشند، اسناد را در اختیار آنها قرار می‌دهد. یک مرکز مطالعات بزرگ ایجاد کرده که دانشجویان و دانش‌پژوهان به آنجا می‌روند و از تمام اسناد بی‌پی می‌توانند استفاده کنند و بهره ببرند. آنجا که با آنها مشترک هستند، می‌توانند استفاده کنند. در مجموع، این حرکت ایجاد شد که نگهداری از میراث صنعت نفت، در محل‌هایی که قابلیت موزه‌شدن دارد، موزه شوند، ثبت می‌کنیم، مرمت می‌کنیم که از بین نرود و در طول تاریخ بماند و تخریب نشود.

چشم‌انداز کلی شما از راه‌اندازی موزه‌های نفت چیست؟ چه زمانی می‌شود گفت کار شما تمام شده است و به آن چیزی که انتظارش را دارید رسیده‌اید؟

می‌توانیم بگوییم آن چیزی که اکنون ایده‌آل ماست، ممکن است چه زمانی تمام شود. اما موزه، یک ویژگی دارد. از ویژگی‌های بارزش این است که محل مرده‌ای نیست، محل زنده‌ای است که هر روز باید به آن اضافه شود و زندگی کند. اگر زنده نباشد... .

نه، به لحاظ تجهیزات می‌گویم.

ما فکر می‌کنیم یک دوره پنج‌ساله داشته باشیم، از نظر فضایی، تمام ابنیه و تأسیسات را پیدا و ثبت می‌کنیم. اما ممکن است باز هم بعد از این، چیزهای جدیدی پیدا شود؛ تجهیزات و اماکن جدیدی پیدا شود چون خیلی از امکان و بناهای ما متأسفانه فروخته شده یا در اختیار سازمان‌های دیگر است که آنها هم میراث ما هستند. حتی اگر در اختیار دیگران باشد.

یک ساختمان شاخص را مثال بزنید که این ویژگی را دارد اما الان در اختیار شما نیست؟

مثلا ساختمان سازمان پخش که در محل باغ ملی است، الان دست وزارت امور خارجه است. یک‌سری ساختمان‌های دیگرهم دست سپاه و ارتش است.

تهرانشهر

تکیه‌ای با عطر و بوی کتاب

علیرضا زمانی

● صنعت کتاب تهران از گذشته تا به امروز تغییرات فراوانی را به خود دیده است. قبل از آنکه چاپخانه از تبریز به تهران بیاید، تیراژ کتاب از طریق نسخه‌نویسی عده‌ای که خط خوشی داشتند، صورت می‌پذیرفت. به‌این‌ترتیب که بعد از نوشته‌شدن کتابی به دست نویسنده، نسخه‌هایی از آن رونویسی می‌شد. در برخی از موقوفات مدارس قدیم تهران، درصدی از عواید موقوفات برای این کار اختصاص داده شده بود. آن زمان از ویراستار و شغلی این‌چنین خبری نبود. ازاین‌رو امکان داشت ایرادهای زیادی در متن کتاب به چشم بخورد. حتی رونویسی برخی کلمات به‌اشتباه کپی‌برداری شده و برای محکم‌کاری لازم بود تا محققان نسخه‌ها را با نسخه اصلی چک کنند. این کتاب‌ها به کتاب‌های خطی شهره بودند. کتاب‌فروشی‌ها هم مثل الان نبودند. پاتوق اولین کتاب‌فروشی‌های تهران در محدوده چهارسوق و بازار امیر بود و بعدها به بازار حلبی‌سازها یا همان بازار بین‌الحرمین (حدفاصل مسجدجامع و مسجدامام) منتقل شد و تعدادشان رو به فزونی گذاشت. رونویسان کتاب باید خط خوبی می‌داشتند. از استادان خط قدیم تهران می‌توان به بزرگانی مانند میرزارضای کلهر، مدفون در محدوده ایستگاه آتش‌نشانی میدان حسن‌آباد، عمادالکتاب، مدفون در امامزاده عبدالله شهرری و میرزاغلامرضا اصفهانی، مدفون در خانقاه پیرصفا و مهدیه امروز جنوب چشمه‌علی اشاره کرد. نخستین چاپخانه تهران در دوره فتحعلی‌شاه و آن هم در یک تکیه برقرار شد. میرزازین‌العابدین که بانی نخستین چاپخانه در تبریز و ایران بود، به اذن پادشاه راهی تهران شد تا با کمک منوچهرخان معتمدالدوله و در تکیه معروفش در بازار، اقدام به چاپ کتاب کنند؛ چاپخانه‌ای که تا زمان برقراری‌اش، افتخار تولید ۸۰۰ هزار کتاب را داشت.

به‌این‌ترتیب تکیه منوچهرخان که در ایام محرم و صفر محل برگزاری عزای حضرت سیدالشهدا بود، در ایام دیگر سال به محل طبع کتاب‌های چاپ سنگی بدل شد. این تکیه چاپخانه مکانی بود که نخستین کتاب قرآن چاپ سنگی ایران در آن به زیر چاپ رفت. میرزازین‌العابدین در همین چاپخانه شاگردان فراوانی تربیت کرد که هرکدام نقش زیادی در کتاب و انتشار آن در پایتخت داشتند. همان تکیه چاپخانه‌ای که امروز نشانی از آن باقی نیست و بازار منوچهرخان روبه‌روی میدان ارگ که محل این تکیه چاپخانه بود، تنها نشان باقی از تاریخ چاپ گذشته تهران به حساب می‌آید. به‌جز این، کوچه باریک و قدیمی چاپخانه محله امامزاده یحیی هم نشان دیگری از گذشته چاپ این شهر فرهنگی است.

از آن زمان تا به امروز چاپخانه‌های فراوانی در این شهر به وجود آمده‌اند. راسته کتاب‌فروشی‌ها هم بعد از بازار بین‌الحرمین، به خیابان ناصرخسرو منتقل شده و بعد از تخریب آنها به دست رضاشاه برای ساخت وزارت دارایی، به شاه‌آباد نقل‌مکان کردند که انتشارات اقبال و کتاب‌فروشی مستوفی نسخه‌شناس یادگار همان دوران هستند. امروزه نیز خیابان انقلاب و خیابان کریمخان زند، راسته‌های اصلی کتاب‌فروشی‌های تهران هستند. به‌غیر از اینها صنعت کتاب نیز تغییرات فراوانی کرده و افراد و شغل‌های زیادی در صنعت تولید کتاب به فعالیت مشغول شده‌اند؛ صنعتی که گردش آن به کتاب‌خوانی مردمان این سرزمین بستگی دارد؛ گردشی که رونق آن افزایش آگاهی‌ها و خرد در این مرزوبوم خواهد بود.

جدول ۲۹۷۷ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- ارزیابی بدن برای تشخیص بیماری- غم‌انگیز و ناراحت‌کننده ۲- کنایه از اینکه چیزی را برای مدت طولانی بی‌مصرف نگه‌داشتن- ترش‌رویی ۳- وسط- برجستگی سفت روی انگشتان- ناچار ۴- ساکنان بهشت- جادوگر قوم بنی‌اسرائیل ۵- مجازات- ستون فقرات- تحفه‌ها ۶- از حروف یونانی- غذایی از گوشت ران گوساله- تاکنون ۷- مخلوق- شب خاطره‌انگیز پاییز- مرغ سعادت ۸- آغوش- داستانی مشهور از هانس کریستین آندرسن، نویسنده دانمارکی- دست عرب ۹- ابزار دروکردن- پوست دانه گندم- شهری در استان ایلام ۱۰- ویتنام قدیم- نرده- آبراه کوچک ۱۱- شکستنی ورزشی- لقبی در هندوستان- همداستان کلیله ۱۲- آشامیدنی‌ها- علامت اختصاری سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری ۱۳- ثروتمند- عرض- آب‌بند ۱۴- صوت - بازیگر مرد فیلم غیرمجاز ۱۵- دانشی که به مطالعه فعالیت‌های بانکی می‌پردازد- از علوم تحصیلی.

عمودی:

۱- میهمانخانه خارج شهر- مسئول کتابخانه- جایی که رود به دریا می‌ریزد ۲- از سبک‌های شعری ادبیات ایران- مادر فریدون پیشدادی- شکلک ۳- غذای رقیق- از لوازم‌التحریر- لفظ ترکی کوه سبلان ۴- حرف دهن‌کجی- از درجات نظامی- نوازنده زورخانه ۵- حزب هیتلر- نشانی- عایدی ۶- وقت و موقع- شکوه و جلال- جلاد استالین ۷- پول عراق- پرگار- قومی ایرانی ۸- عقاب سیاه- محل اقامت زائران- نوعی شیرینی ۹- چهره - محبوب‌تر از همه در میان جمعی- جهادگر راه خدا ۱۰- کوه آتشفشانی ایتالیا- دوستی- نژاد مردم پرو ۱۱- پایتخت بحرین- برادر سلم و تور- حادث‌شونده ۱۲- پودر- حواری خائن- فلز سرخ ۱۳- شلاق- علم مواد- راهی که به آخر نمی‌رسد! ۱۴- منجمد- روزانه- تغییر متناوب ۱۵- میانه بدن- اتوبان- نوعی پخت برنج.

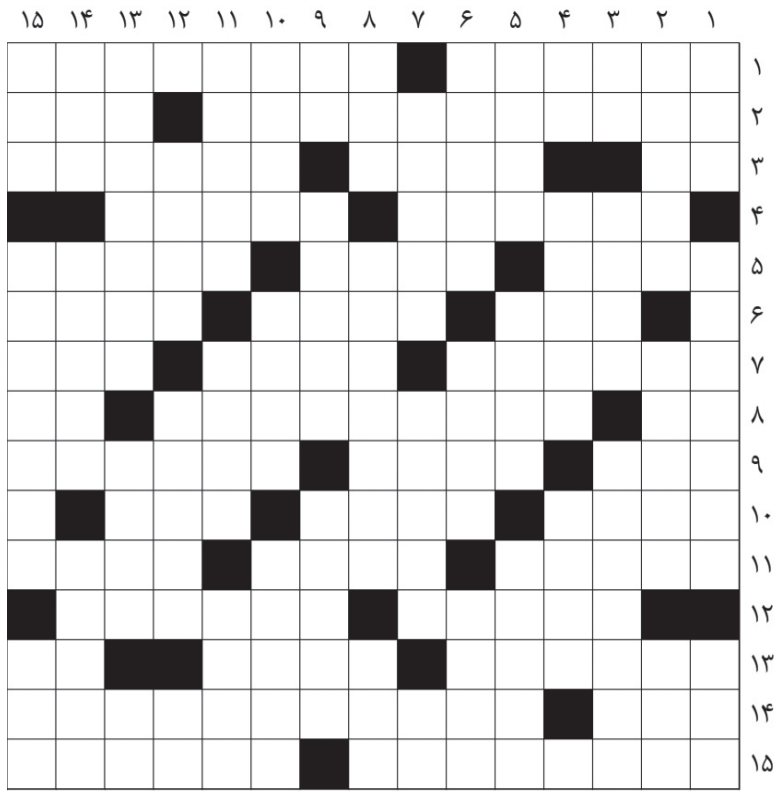

حل سودوکو سخت

۳	۴	۷	۶	۹	۸	۱	۲	۵
۸	۲	۹	۴	۵	۱	۶	۳	۷
۱	۶	۵	۳	۲	۷	۹	۴	۸
۵	۷	۸	۹	۱	۳	۴	۶	۲
۴	۹	۳	۷	۶	۲	۸	۵	۱
۲	۱	۶	۸	۴	۵	۳	۷	۹
۷	۳	۱	۲	۸	۶	۵	۹	۴
۹	۵	۲	۱	۳	۴	۷	۸	۶
۶	۸	۴	۵	۷	۹	۲	۱	۳

حل سودوکو ۱۹۷۲

۳	۹	۸	۱	۷	۴	۲	۶	۵
۶	۵	۷	۲	۹	۸	۴	۳	۱
۱	۴	۲	۶	۳	۵	۷	۹	۸
۲	۷	۶	۵	۱	۳	۸	۴	۹
۹	۸	۵	۴	۶	۲	۱	۷	۳
۴	۳	۱	۷	۸	۹	۵	۲	۶
۵	۲	۹	۳	۴	۱	۶	۸	۷
۸	۶	۴	۹	۵	۷	۳	۱	۲
۷	۱	۳	۸	۲	۶	۹	۵	۴

جدول ۲۹۷۶

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ا	پ	ر	ک	ا	ت	■	ک	ا	ش	ا	ن	■	ل	ا
۲	چ	ا	ق	■	م	ا	ف	و	ق	■	س	م	ا	و	ی
۳	■	ر	ی	خ	ت	■	ن	ی	ل	ب	ک	■	ل	ر	ی
۴	ا	س	ق	ف	■	د	د	ر	■	س	ن	ت	ه	ل	ن
۵	ز	ه	■	ت	ب	ر	ک	■	م	ن	ا	ف	ی	■	د
۶	ا	■	چ	ن	ا	ن	■	ر	و	د	س	ر	■	ز	و
۷	د	و	ک	■	ق	ا	د	س	ی	ه	■	ق	د	و	س
۸	ب	ر	ا	ب	ر	■	و	ت	ر	■	م	ه	م	ا	ت
۹	ه	ا	پ	و	■	ف	ر	ن	ک	ی	س	■	ا	ل	ی
۱۰	ق	م	■	م	ح	ت	و	ی	■	ت	ک	ث	ر	■	ا
۱۱	ی	■	د	ه	ک	ر	د	■	ا	ی	و	ا	■	ا	ب
۱۲	د	و	ر	ن	م	ا	■	ت	ر	م	■	ل	ا	ی	ی
۱۳	ش	ی	ب	■	ر	ک	و	ر	د	■	ا	ث	ی	ر	■
۱۴	ر	ش	ی	د	ا	■	ا	ن	ک	ا	ر	■	س	ا	م
۱۵	ط	ی	■	س	ن	گ	ل	ج	■	ا	ی	ک	ی	د	و

سودوکو سخت ۱۹۷۳

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

			۴	۸	۲		۷	
	۷			۵				۲
			۱				۴	
		۳		۹				
		۸	۵	۲				۷
		۱	۶		۳	۹		
					۶	۵		۱
۶		۲			۵		۸	
۸	۳				۴		۹	

سودوکو ۱۹۷۳

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

	۹		۱	۳				۵
	۸			۴				۶
	۷	۱		۵				۹
	۱	۳		۶			۲	۸
	۲	۷	۴			۶	۵	
	۶		۳	۹	۲			
۷	۳			۱	۵	۸		
	۴		۸	۲	۳			
۸	۵		۹	۷				